

نام درس: اقتصاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل اول: اصول انتخاب در کسب و کار

درس چهارم: مرز امکانات تولید

آموزش و پرورش استان کردستان
تهیه کننده: زهرا صادقی

در جریان برنامه های زندگی خانوادگی آقای محمدی، ستایش ایده جالبی در مورد کارگاه پدرش مطرح کرد که کاش به محصولات کارگاه یک چیز اضافه یا کم می کردند، یک محصول جدید بدست می آمد. امیر علی هم در جواب خواهرش گفت اگر این امکان عملی بشود چه تعداد از کالای جدید را می توان تولید کرد. پدر خانواده هم با توجه صحبت های فرزندانش به فکر فرو رفت که اگر **تغییرات کوچکی بر روی محصولات** صورت بگیرد، می توان **یک محصول جدید تولید کرد**.

گفت و گو در کلاس

- ۱- به نظر شما چگونه می توان تصمیم گرفت که آقای محمدی از هر محصول چه تعداد تولید کند.
- ۲- آیا آقای محمدی باید همه منابع را در اختیار دارد صرف تولید کند.

نقشه راه

ما در این درس به دنبال آن هستیم که بتوانیم یک **الگو** برای استفاده حداکثری از منابع کمیاب پیدا کنیم و همچنین در پایان درس بتوانیم:

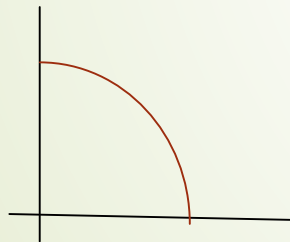
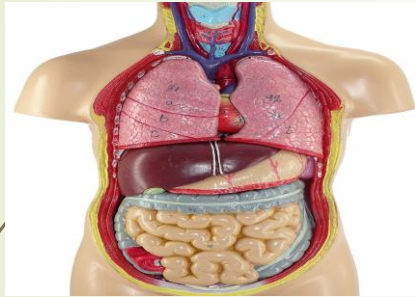
- مفهوم تخصیص بهینه، کارایی و هزینه فرصت را با توجه به مدل **مرز امکانات تولید** توضیح دهیم.

الگوی اقتصادی

ما در درس گذشته با اصول و مفاهیم اولیه انتخاب درست آشنا شدیم. یکی از الگوهای که می توانیم با آن، کاربرد این اصول را در انتخاب بهینه تمرین کنیم، **الگوی مرز امکانات تولید** است.

«**الگو** نمایشی ساده از واقعیتی پیچیده است»

مثلاً:



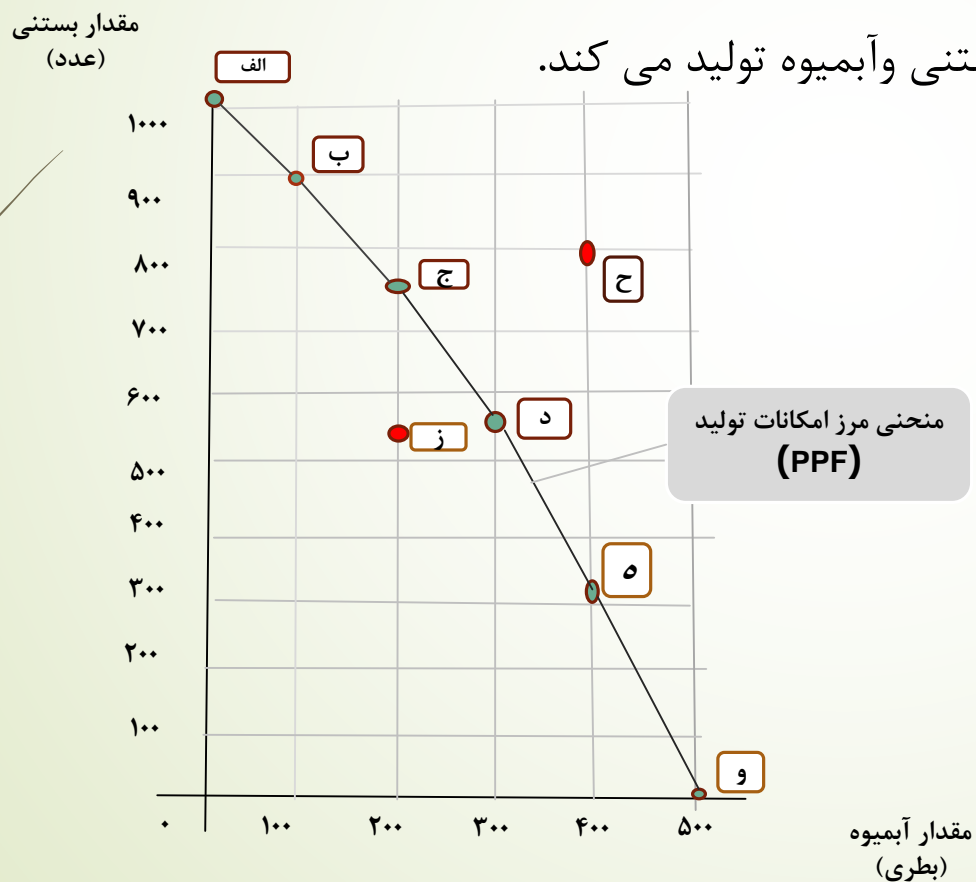
نقشه راه یک الگو است؛ چون بدون در گیر شدن در جزئیات غیر لازم راه های اصلی و فرعی را به ما نشان می دهد.

الگوی آناتومی بدن انسان که در زیست شناسی استفاده می شود یک الگوست تا به ساده ترین شکل ممکن بخش های مختلف بدن انسان و نحوه ارتباط آنها را نشان دهد.

در اقتصاد هم الگو هایی وجود دارد که بسیاری از جزئیات دنیای واقعی را رها می کند تا به ما کمک کند بر آنچه اهمیت دارد متمرکز شویم. الگوی **مرز امکانات تولید** یکی از این الگو های اقتصادی است که راه بهتر بده-ستان های یک کشور در استفاده از منابع کمیاب پیدا کنید.

الگوی مرز امکانات تولید

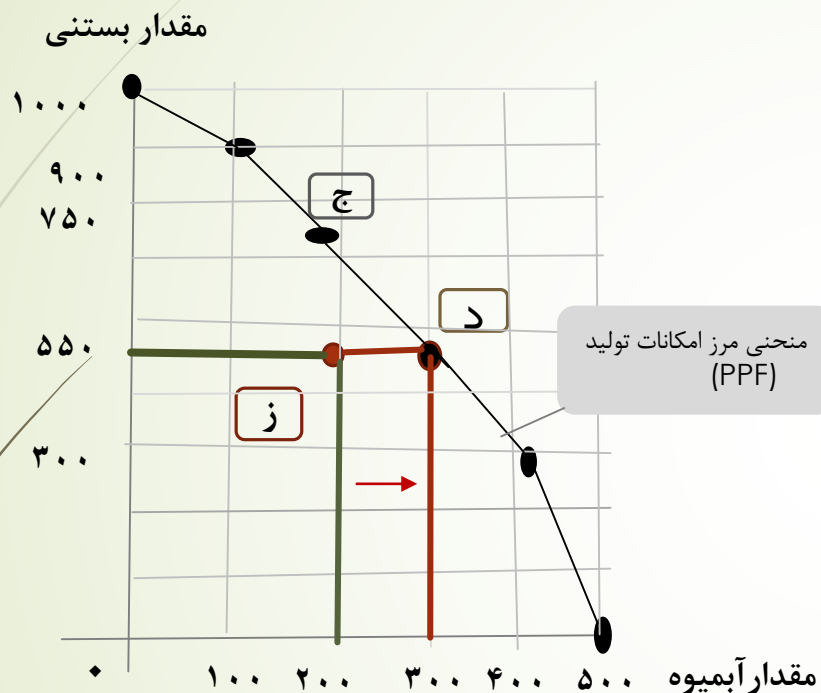
یکی از انتخاب های اساسی را که هر کسب و کار، مثلاً یک شرکت تولیدی، با آن روبه روست در نظر بگیرید:
این شرکت چگونه می تواند منابع کمیاب خود را در میان انواع تولیدات تقسیم کند؟
مثلاً تصور کنید شرکتی راه اندازی کرده اید که فقط بستنی و آبمیوه تولید می کند.



مقدار تولید آبمیوه (بطری)	مقدار تولید بستنی (عدد)	
۰	۱۰۰۰	الف
۱۰۰	۹۰۰	ب
۲۰۰	۷۵۰	ج
۳۰۰	۵۵۰	د
۴۰۰	۳۰۰	ه
۵۰۰	۰	و

Production Possibilities Frontier(PPF)

مرز امکانات تولید: مرزی است بین آنچه یک کسب و کار (تولیدی) با استفاده از منابع موجود و در دسترس می تواند تولید کند و آنچه نمی تواند. این کسب و کار می تواند هر سطح تولید را با نقطه ای بر روی مرز امکانات تولید نشان داده است انتخاب کند.



مثال: نقطه ز یک ترکیب از ۵۵۰ عدد بستنی و ۲۰۰ بطری آبمیوه را نشان می دهد.

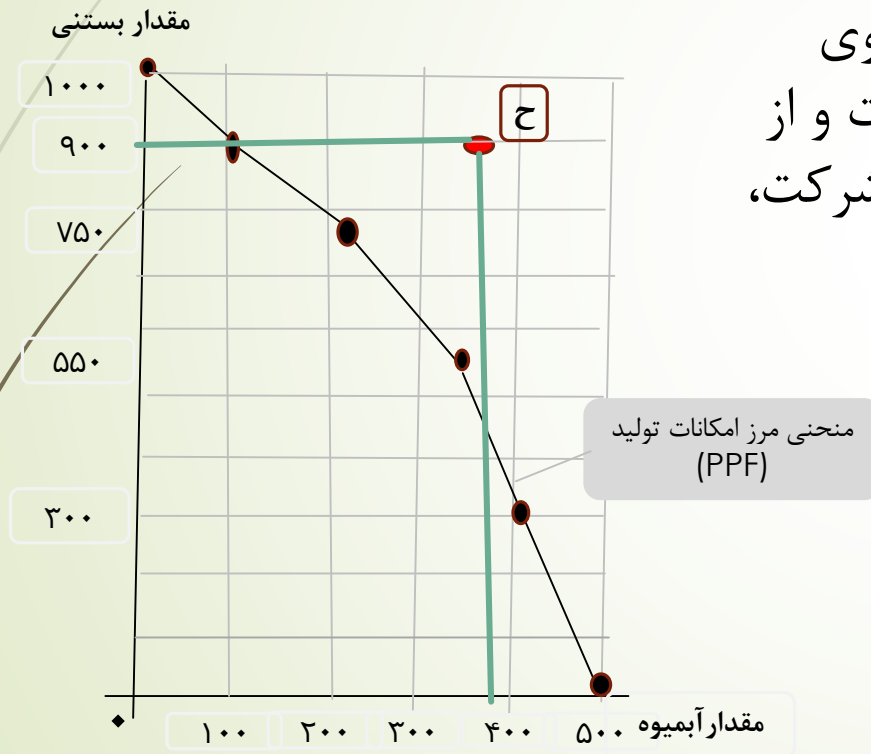
اگر تولید کننده بخواهد می تواند نقطه ز را تولید کند. اما مرز امکانات تولید به ما نشان می دهد. اگر ۵۵۰ عدد بستنی تولید شود، باز هم منابع کافی برای تولید ۱۰۰ بطری آبمیوه بیشتر وجود دارد. (نقطه د)

به طوری کلی، بهتر است این شرکت، به جای تولید در درون مرز امکانات تولید، **بر روی امکانات تولید**، تولید کند.

نقاط خارج از مرز: مانند نقطه ح غیر قابل دستیابی است و منابع کافی برای تولید آن وجود ندارد. همین امر درباره یک کشور هم وجود دارد.

کشورها باید تصمیم بگیرند که منابع کمیاب خود را چگونه میان تولید کالاها اختصاص دهند.

البته هر کشور صرفاً دو کالا تولید نمی کند اما کار با یک الگوی واقعی که شامل هزاران کالا و خدمات است، بسیار دشوار است و از این رو می توان تولیدات یک کشور را همچون تولیدات یک شرکت، به صورت ساده با دو کالا نشان داد.



ناحیه خارج از مرز: نقاطی هستند که کشور می تواند آرزوی رسیدن به آنها را داشته باشد این نقاط با فرض ثابت بودن منابع کشور، غیر قابل دستیابی هستند.

در نظر داشته باشیم با پیشرفت بیشتر این امکان وجود دارد که در آینده بتوان، به نقطه ح نزدیکتر شد یعنی مرز امکانات تولید قابلیت انتقال و جا به جایی دارد.

هزینه فرصت اجتماع

نظر شما درباره این جمله چیست: «چیزی به نام ناهار مجانی وجود ندارد.» در اقتصاد از این جمله برای اشاره به بعضی از مدارس که در گذشته ناهار رایگان به دانش آموزان می دادند استفاده می شود.

✓ ناهاری حتی اگر برای دانش آموزان رایگان باشد، برای جامعه رایگان نیست.

✓ تولید غذا به منابع نیاز دارد. از این منابع می توان برای چیزهای دیگر استفاده کرد.

✓ بنابراین برای داشتن «ناهار رایگان» باید بپذیریم که از بعضی کالاها یا خدمات دیگر کم داشته باشیم.

✓ حتی کالاهای که برای دیگران «رایگان» است. برای تولیدشان زمان صرف می شود و هزینه فرصتی برای جامعه دارد؛ پس هر چند برای فرد ممکن است ناهاری رایگان باشد، اما برای جامعه چنین نیست.



مرز امکانات تولید: به ما این اجازه را می دهد تا هزینه فرصت یک شرکت و یا یک کشور را زمانی که بیش از یک کالا تولید می کند را محسم کنیم.

فرض کنید شرکتی در نقطه ج است شروع به تولید ۷۵۰ عدد بستنی و ۲۰۰ بطری آبمیوه می کند. هزینه فرصت ۱۵۰ عدد بستنی چقدر است؟

برای تولید بستنی بیشتر نیاز است که شرکت به سمت چپ و بالا در طول مرز امکانات تولید جابه جا شود،

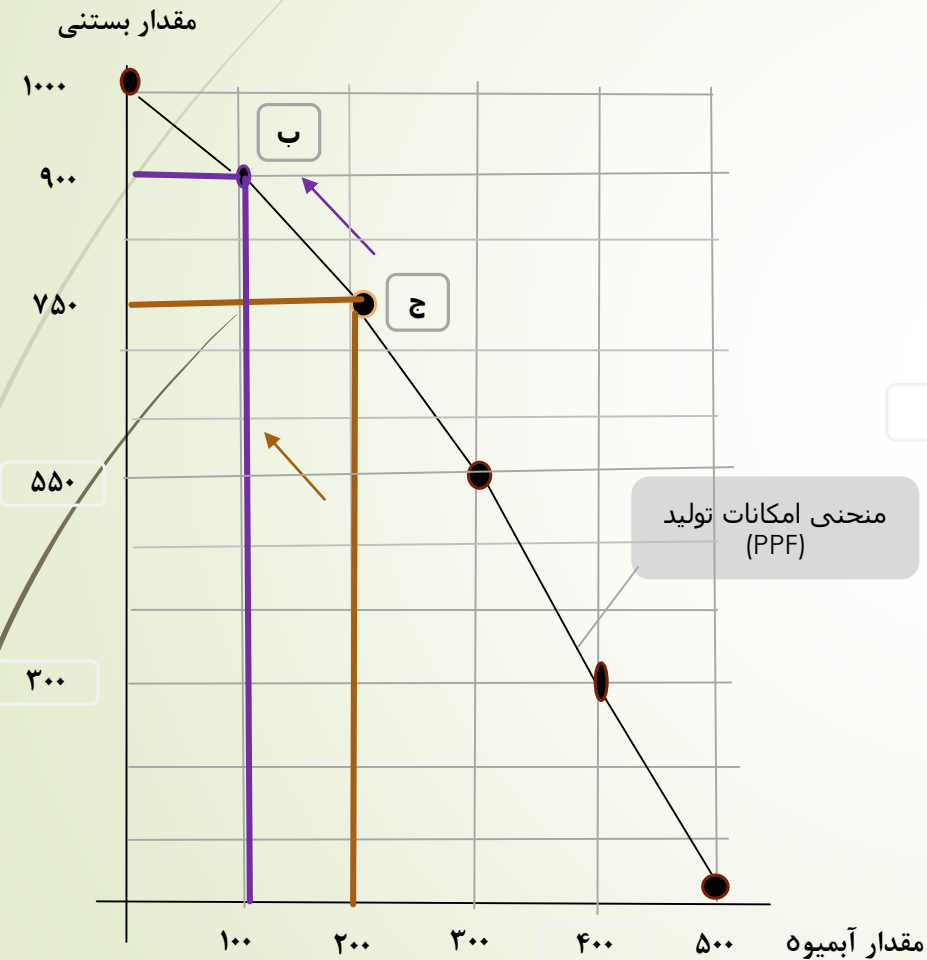
یعنی در این حالت از نقطه ج به نقطه ب برویم.

در نقطه ب، تولیدات شرکت ۹۰۰ عدد بستنی است؛ یعنی ۱۵۰ عدد بیشتر از تولیدات در نقطه ج است.

بنابراین هزینه فرصت ۱۵۰ عدد بستنی بیشتر، ۱۰۰ بطری آبمیوه است.

به این دلیل که برای تولید ۱۵۰ عدد بستنی بیشتر، شرکت باید از ۱۰۰ بطری آبمیوه صرفه نظر کند.

مرز امکانات تولید: نشان می دهد که برای داشتن بستنی بیشتر، شرکت تولیدی ما باید از مقداری آبمیوه صرف نظر کند. آبمیوه های از دست رفته، هزینه داشتن بستنی بیشتر است. امکان جابه جایی هزینه فرصت از هر نوع تولیدات در یک شرکت یا کشور وجود دارد.



مقدار آبمیوه	مقدار بستنی	
۰	۱۰۰۰	الف
۱۰۰	۹۰۰	ب
۲۰۰	۷۵۰	ج
۳۰۰	۵۵۰	د
۴۰۰	۳۰۰	ه
۵۰۰	۰	و

کارایی و ناکارایی

مثال: فرض کنید که شما در تیم ورزشی دو میدانی مدرسه عضو هستید و تخصص اصلی شما دوی ۱۵۰۰ متر است. دوست شما هم در همین تیم عضو هستند، البته ایشان هم در دوی ۱۰۰ متر و ۱۵۰۰ متر تخصص دارد. چون هر دو رکورد رو داشته و برای ایشان فرقی نمی کند در کدام یک از دوها شرکت داشته باشد، اگر مربی، شمارا برای دوی ۱۰۰ متر و دوستتان را برای دوی ۱۵۰۰ متر انتخاب کند، شما ناراحت می شوید چنانچه شما از مربی بخواهید موقعیت دوهای شما را با هم عوض کند؛ شما وضعیت بهتری پیدا می کنید و دوستتان هم مشکلی نخواهد داشت.

«تلاش برای به دست آوردن **کارایی** به معنایی **یافتن موقعیت هایی برای پیشرفت**، مانند این مثال است.»



« موقعیت هایی که در آن، بهتر شدن وضعیت کسی باعث بدتر شدن وضع دیگری نشود.»
وضعیت کارا: قرار گرفتن نقاط تولید بر روی منحنی مرز امکانات تولید می باشد.
جابه جایی در منحنی مرز امکانات تولید: حتما اگر بخواهیم تولید یک کالای را افزایش دهیم به **دلیل محدود بودن منابع و امکانات** باید از تولید کالای دیگر کمتر شود که تولید کالای مورد نظر افزایش یابد.



مثال: فرض کنید ارائه دهندگان دسترسی به اینترنت در یک کشور، دوکارگر را برای ارتباط هر خانه با سرویس اینترنت می فرستند با اینکه یک کارگر می تواند کار را به همان سرعت انجام دهد! در این صورت تولید در این کشور **ناکارا** خواهد بود.

✓ در مقابل، اگر شرکت ها روش کارا تر ارسال یک کارگر را اتخاذ می کردند،

✓ کارگر کمتری در این وضعیت نیاز می شود.

✓ کشور می تواند با آن کارگر، تولیداتش در کالاها و خدمات دیگر گسترش دهد.

شرکت یا کشور می تواند تی شرت هم تولید کند.

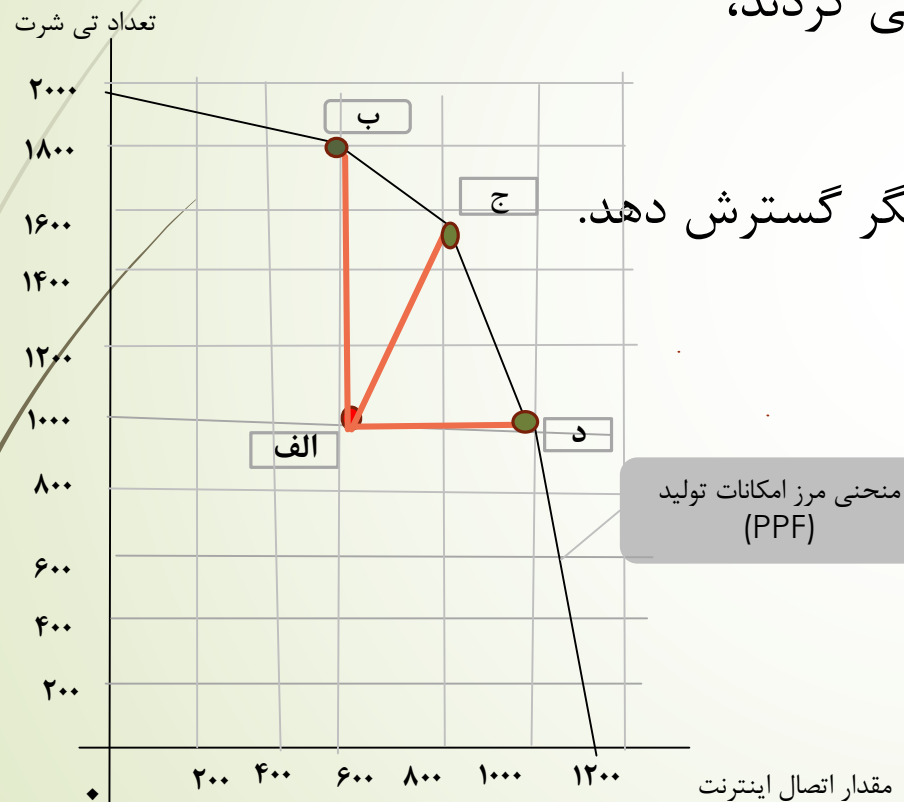
هر نقطه در زیر مرز امکانات تولید: نشان دهنده این

است که اقتصاد از بیشترین منابعش استفاده نکرده، **زیرا**

حداقل مقدار بیشتری از یک کالا می تواند تولید

کند، بدون اینکه کالاهای دیگر کاهش یافته یا حذف

گردند.



با تغییر در نحوه استفاده از منابع، در مورد ارسال تنها یک کارگر اتصال کابل به هر خانه، کشوری می تواند به نقطه ای روی مرزهای امکانات تولید خود حرکت کند. به طوری که:

✓ اگر نیروی کار آزاد شده در صنعت اتصال کابل اینترنت بکار گرفته شود، اتصال بیشتری از خانه ها انجام

می گیرد. یعنی کشور از نقطه الف به نقطه د جابه جا می شود.

✓ اما اگر از کارگر اضافی برای تولید تی شرت استفاده شود، تولید از نقطه الف به نقطه ب انتقال می یابد.

✓ به عنوان گزینه سوم کارگر اضافی می تواند بین دو صنعت تقسیم شود؛ مثلا نیمی از روز به اتصال کابل پردازد و نیمی از روز را در کارگاه تولیدی کار کند تا هم تی شرت بیشتر و هم خانه های بیشتری را به اینترنت متصل کند. در این صورت، کشور را از نقطه الف به یک نقطه مانند ج حرکت می کند.

بنابراین وقتی تولید **ناکارا** باشد، این امکان وجود دارد که حداقل بیشتر از یک کالا تولید شود؛ بدون

آنکه از تولید کالاهای دیگر کاسته شود.



سپاس از توجه شما عزیزان